

وجه تسمیه آوج

* مریم امیدی آوج

چکیده:

هر مکانی در کره زمین دارای اسم خاص می باشد و وجه تسمیه این مکانها متفاوت است. باتوجه به اینکه آوج از توابع خرقان در استان قزوین زادگاه و محل رشد و شکوفایی دوران کودکی و نوجوانی من است مدت ها بود درباره وجه تسمیه و علت نام گذاری آن فکر می کردم اما تشویق و ترغیب یکی از اساتید جغرافیایه این امر، مرا پیش علاقمند به تحقیقی در این خصوص کرد و با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای و مشاهده ای این نتیجه حاصل شد که کلمات اباخینه، اباکینه، اواکه، و..... آوج که در منابع قدیم و جدید در نگارش نام آوج به کار رفته است جزء اول آن ها (کینه، که، خینه) پسوند مکان است که تغییر شکل یافته آن واژگان بوده و معرب آن با جیم عربی «آوج» است و به معنی جایی که دارای آب فراوانی می باشد و به همین دلیل این منطقه در گذشته از موقعیت ارتباطی مناسبی برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی: آوج- خرقان- قزوین- وجه تسمیه

جهت بررسی و تحقیق در مورد وجه تسمیه آوج، ابتدا مروری مختصر بر موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای طبیعی و انسانی صورت گرفت و ضمن انجام مراحل تحقیق، به علت مواجه شدن با موضوعات جالب ضرورت داشت بعد از توصیف وجه تسمیه آوج، اشاره مختصری بر پیشینه تاریخی آوج صورت گیرد

موقعیت جغرافیایی

بخش آوج به مرکزیت شهر آوج با وسعت ۱۴۹۰/۳۵ کیلومتر مربع و ۱۷/۳۴ نفر در کیلومتر مربع در جنوب غربی استان قزوین واقع شده است بخش مذکور، یکی از بخشهایی است که در سال ۱۳۱۶ ش ایجاد گردید ولی شهر آوج (آوه) در سال ۱۳۴۲ ش. ایجاد شد و اکنون جزو شهرستان بوئین زهرا در استان قزوین می باشد (سعادت، ۱۳۷۹: ۳۵). این بخش مرکب از دهستان های حصار و لیعصر، آبگرم، خرقان شرقی، خرقان غربی و شهیدآباد است و از شمال به شهرستان های خدابند، ابهر، و تاکستان، از شرق به بخش بوئین زهرا، از جنوب شرق به شهرستان ساوه، از جنوب به شهرستان رزن و از جنوب غربی و غرب به شهرستان خدابنده محدود است (جعفری، ۱۳۷۹: ۳۸).

ویژگیهای طبیعی

آوج جزء مناطق کوهستانی، با آب و هوای سرد در زمستان و هوای ملایم در تابستان می باشد. رودخانه آوج که از کوههای آق داغ، قاباخ تپه و هرائین سرچشمه گرفته از مرکز این بخش عبور کرده پس از طی مسافتی به خررود* پیوسته و سرانجام به دریاچه قم وارد می شود. رودخانه اروان چای که از کوههای خرقان سرچشمه گرفته و در محلی به نام پل اروان به رودخانه آوج پیوسته وارد رودخانه خررود شده و سرانجام به دریاچه قم وارد می شود (فرهنگ آبادی های کشور، ۱۳۷۹: ۱۴). از کوههای مهم آوج، که عمدتاً در رشته کوه های خرقان جای دارند عبارتند از: قراجه داغ با ارتفاع (۲۸۹۸ م) آق داغ (۲۸۷۸ م) و اوزون بلاغ (۲۸۴۰ م) می باشد (جعفری، ۱۳۷۹: ۳۸). دو گردنه معروف این سلسله کوه یکی سلطان

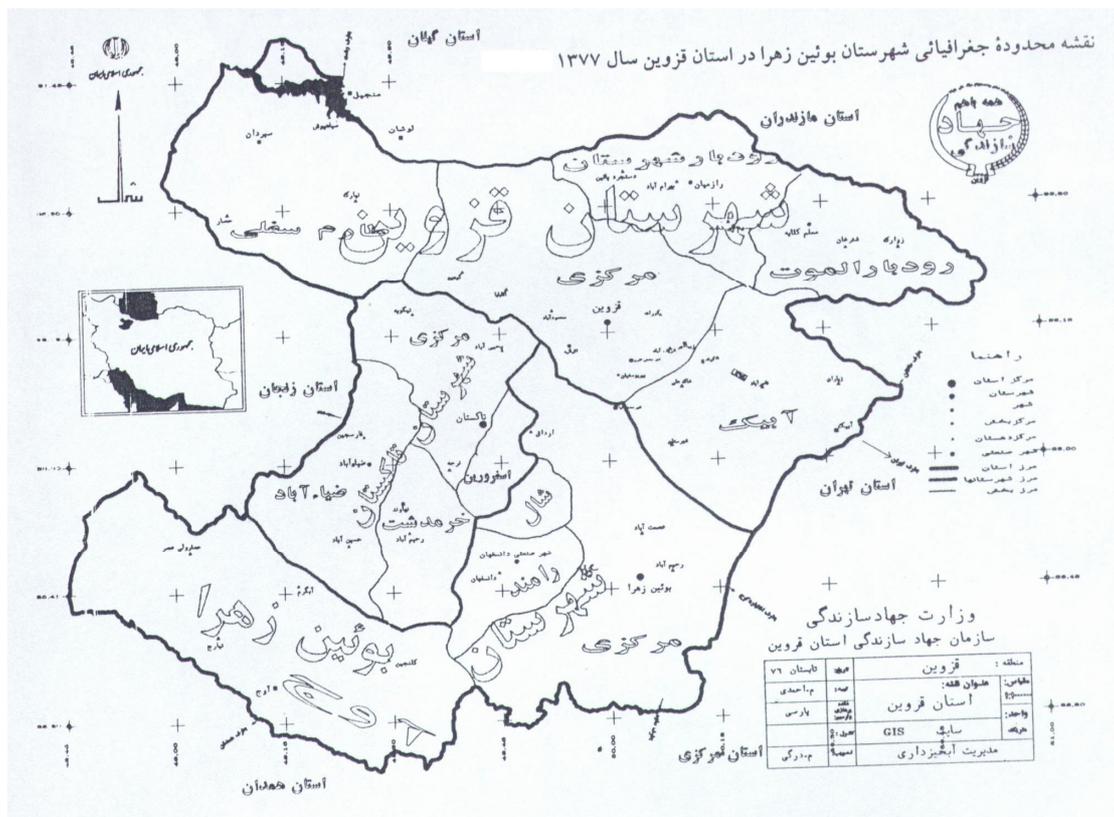
* به خاطر گل آلود بودن این نام را بر آن نهادند

بلاغ و دیگری آوه (آوج) نام دارد که گردنه آوه یکی از گردنه های برفگیر کشور است که زمستانها در موقع بارش برف سنگین بسته می شود (فرجی و همکاران، ۱۳۶۶: ۷۲۹).

ویژگیهای انسانی :

طبق سرشماری آبان ۱۳۷۵، این شهر، داری ۸۰۷ خانوار معمولی ساکن با ۳۶۱۷ نفر جمعیت، شامل ۱۷۶۵ نفر مرد و ۱۸۵۲ نفر زن بوده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان قزوین، ۱۳۷۸: ۴۲).

مردم این شهر به زبان ترکی صحبت می کنند و پیرو مذهب شیعه دوازده امامی می باشند این بخش از مناطق محروم و حاشیه استان می باشد که باتمام فعالیتهای اقتصادی موجود در آن به عنوان یکی از مناطق عمده مهاجر فرست به مرکز استان و کشور محسوب می گردد با توجه به اینکه شهر آوج حدود ۴۰ سال است تاسیس گردیده است ولی تاکنون از رشد چندانی برخوردار نبوده و جمعیت آن به ۵۰۰۰ نفر هم نمی رسد (سعادت، ۱۳۷۹: ۴۵).



نقشه شماره: ۱ منبع: بوچالوف و دو همکاران، ۱۳۷۸: ص ۱۶.

درنگارش های مختلف نام «آوج» (آوه) در منابع قدیم و جدید به شرح ذیل می باشد :

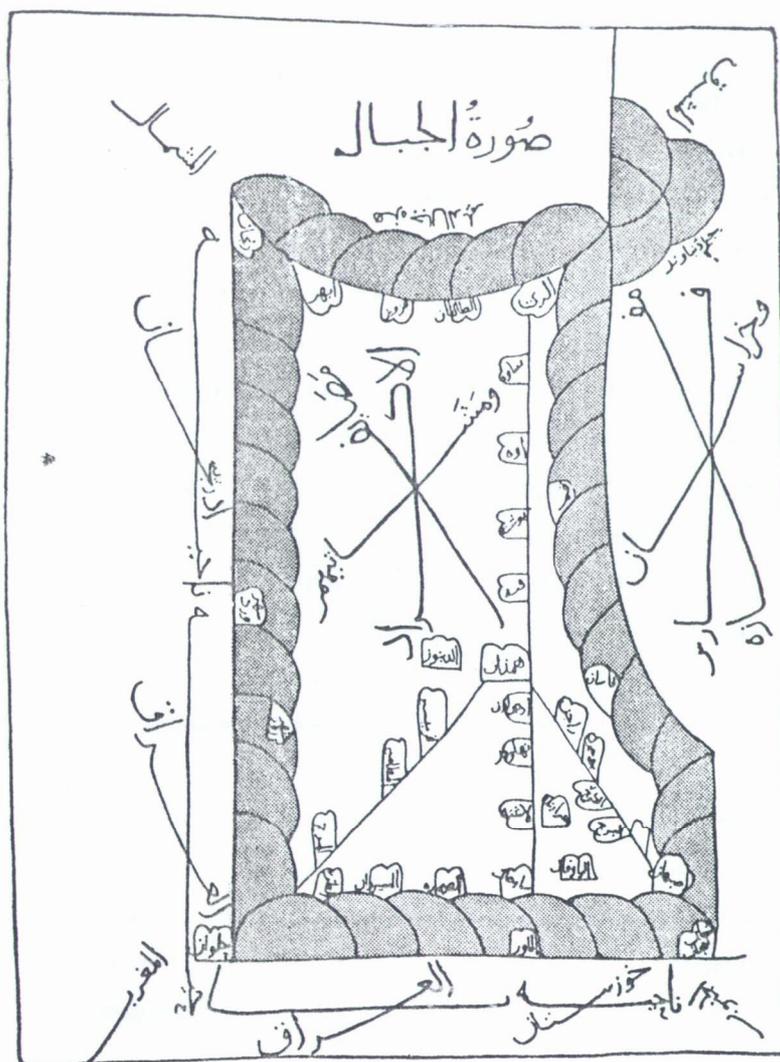
آباخینه Abaxineh - آباکینه Abakineh - آواکه Avakeh - آباکه Abakah - آپاکه Apakah - آوکئنه Avakaeneh - آوهنه Avahanah - آون Avan - آوه Aveh - آبه Abeh - آوج Avaj می باشد.

اشکال باستانی (آباخینه، آواکه، آواکئنه و آوهنه) از دو جزء ترکیب شده اند ، جزء اول آنها (آبا، آوا، آبا، آوا) همان صورت باستانی «آب» است و جزء دوم آنها (کینه، که، کئنه و هنه) پسوند مکان است که دگرگون شده فارسی دری و عربی آن چیزی جز (کان، گان، تان، جان و جین) نمی باشد. (آوک، آوه، آبه) نیز تغییر شکل یافته همان واژگان باستان است که معرب آن با جیم عربی «آوج» است (توکلی مقدم، ۱۳۷۵: ۵۲-۵۱). می گویند در دوران کیانیان به دستور کی خسرو پادشاه کیانی، گیو، پسر گودرز کوشک هایی در کنار سرچشمه پرآبی بنانهاد و به دلیل پرآبی چشمه، آن کوشک ها و ساختمانها را «آبه» نامیدند. به هر حال واژگان «آبه یا آوه» بستگی به آب، سرزمین، محل و آبادانی دارند و بهترین نامهایی هستند که بر این سرزمین نهاده اند (افشار سیستانی، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۱).

«آبه» شهری است در طرف مشرق همدان منحرف به سوی شمال آن بلده. مسافت آن تا همدان هفده فرسخ و تا قزوین شانزده فرسخ و حالت قزوین به آبه مثل حالت آبه است به همدان. یعنی در طرف مشرق و منحرف به سوی شمال اوست (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳).

پیشینه تاریخی آوج (خرقان)

ناحیه کوهستانی پهناوری که یونانیان آن را مدیا (Madia) می گفتند و از باختر به جلگه های بین النهرین و از خاور به کویر بزرگ ایران محدود می شود نزد جغرافی نویسان عرب به نام ایالت جبال معروف بود که آوج نیز تحت نام خرقانین و آوه شمالی جزء ایالت جبال محسوب می شد و آوج جزو نواحی شمالی همدان به نام ولایت خرقان بوده است (بوچالو فرد و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۰۱).



نقشه جبال و نگارش نام «آوج» به شکل «اوه» (صورة الارض، ابن حوقل - سده ۴ هـ ق)

نقشه شماره ۲

خرقان که غالباً خرقانین یعنی دوخرقان خوانده می شود و شهر عمده آن «آوه یا آبه» همدان است
 تامیان آن و آوه ساوه اشتباه نشود این آوه شمالی را که به صورت «آوا» ضبط شده یا قوت حموی نام برده
 و مقدسی هم در قرن چهارم به آن اشاره کرده است (لسترنج، ۱۳۶۷: ۲۱۲) درگذشته سرزمین خرقان به سه

بلوک خرقان افشار، خرقان بکشلو و خرقان قتلو تقسیم می شده است (ورجاوند، ۱۳۴۹: ۳۱۲). درباره اینکه خرقان از چه زمانی جزو ناحیه قزوین شده است حمداله مستوفی چنین می نویسد:

... چون «موسی بن بوقا» باروی قزوین بساخت مردم را از اطراف بیاورد و در محلات آنجا ساکن کرد و آن شهر معظم شد این نواحی باز داخل قزوین گردانید و ناحیت زهرا و قهپایه و مرضی، ازری و خرقانین و خررود سفلی از همدان و... داخل قزوین گردانید. ولی ابن فقیه در کتاب «البلدان» در بحث مربوط به توسعه و گسترش ناحیه قزوین می نویسد که: رساتیق نساء و سلقا بدوز و خرقان در سال ۲۴۱ هـ - ق به قزوین ملحق شده اند (همان: ۳۱۴).

در اسناد و مدارکی که از فتح ناحیه همدان و قزوین در موقع حمله مسلمانان ذکر شده است اسامی نقاطی مانند قاقازان و «خرقان» و دشتی جلب نظر می کند نشانه آن است که نواحی مذکور قبل از حمله مسلمانان از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردار بوده اند و وسعت آن روزی این مکانها چندین برابر ناحیه ای بوده است که امروز دارا می باشد (بیات، ۱۳۷۳: ۴۰۶).

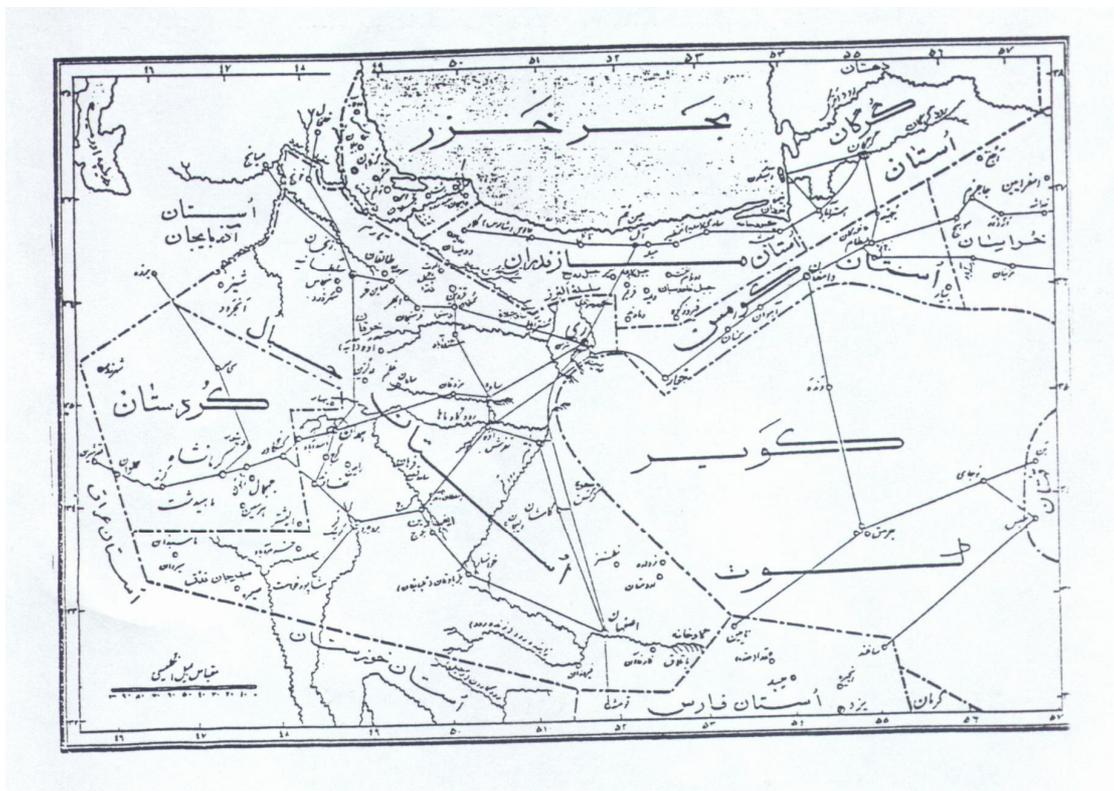
باتوجه به مطالب فوق احتمال می رود این منطقه همزمان با رونق گرفتن کارمادها پیشرفت می کند و در حمله مسلمین به ایران (جنگ اعراب و ساسانیان) جزء مناطق مهم بوده و در دوران سلجوقیان و ایلخانیان که تخصصات مذهبی وجود داشته منطقه آوج یکی از مراکز مهم شیعه نشین بوده است و مدرسه علیشاهی در این شهر مرکز مجتمع علما بوده و محله ای به همین نام اکنون در آوج وجود دارد که به محله علمشاه معروف است (بوچالوفرد و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۰۲).

دهستان خرقان که در قسمت جنوب غربی قزوین قرار دارد از شمال به رودخانه خررود و دهاتی از دهستانهای دودانگه، افشاریه و زهرا، از مشرق به دهستان خلجستان ساوه، از جنوب به دهستان درجزین همدان و از مغرب به ناحیه خمسه محدود است (ورجاوند، ۱۳۴۹: ۳۱۲).

در تقسیمات کشوری در فروردین ۱۳۳۴ خرقان جزو شهرستان ساوه از استان مرکزی (تهران) بوده است (حداد و همکاران، ۱۳۳۵: ۲۵).

درحال حاضر دهستان خرقان در مسیر جاده قزوین - همدان واقع شده که شامل دو قسمت خرقان

شرقی با مرکزیت «کلنجین» و خرقان غربی با مرکزیت «آوج است» .



منبع: بوچالو فردو همکاران، ۱۳۷۸، ص ۲۰۳.

نقشه شماره ۳

یکی از افرادی که در زمینه «جغرافیای تاریخی منطقه قزوین» اثرات متعددی به جای گذاشته است

محقق ارجمند مرحوم دکتر پرویز ورجاوند می باشد جادارد که از این محقق ساعی تشکر به عمل آید.

ولی در حین انجام این تحقیق مشاهده شد که «حمداله مستوفی» در کتاب نزه القلوب توضیحاتی

در مورد «آوه» داده است . که دکتر ورجاوند این ویژگی را منتسب به آوه خرقان دانسته است در حالیکه بنابه

دلایل مستند ذیل، این انتساب از دیدگاه نگارنده چندان صحیح نمی باشد .

حمداله مستوفی در کتاب نزه القلوب اشاره کرده است: «آوه از اقلیم چهارم است طولش ده هزار گام

هواش معتدل آبش از رودخانه «گاوماها» که به مابین بره می خوانند و در آن شهر، زمستان یخ آب در چاه می

بندد به چند کرت تافرومی خورد در تابستان همچنان یخ آب بازمی دهد بعد از آن ساده مثل دیگر چاه ها

دهد و غله و پنبه در آنجا بسیار نیکو دارند و از میوه هایش انجیر نیکو بود مردم آنجا سفید چهره و شیعه اثنی

عشر بند... و با هم اتفاق نیکو دارند و حقوق دیوانی آنجا به تمغام مقرر است و ده هزار دینار ضمانتی آن باشد و از آن ولایتش که چهل پاره دیه است هفت هزار دینار است و شهر و ولایتش داخل بلوک ساوه است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۰).

پرویز ورجاوند در «سرزمین قزوین» اشاره کرده است: «حمداله مستوفی» شرح مربوط به آوه از آن به عنوان شهری یاد می کند که در عهد اودارای بارو بوده و آبادان بوده است. او «آوه» را چنین توصیف می نماید: «از اقلیم چهارم است... با نی آن معلوم نیست طالع نباش سنبله. دور باروش قرب پنج هزار کام است. هواش معتدل است و آبش از رودخانه «گاو ماها» که به مابین بره می آید تابستان همچنان یخ آب بازمی دهد، و چون آن قدر که آب یخ فروخورده باشد باز دهد، بعد از آن آب ساده مثل دیگر چاهها دهد و غله و پنبه در آنجا بسیار و نیکو باشد (ورجاوند، ۱۳۴۹: ۳۱۴-۳۱۳).

سید محمد علی گلریز در کتاب «تاریخ و جغرافیای تاریخی قزوین (مینودر)» ضمن توصیف ویژگی های دهستان خرقان با مرکزیت (آوه) اشاره کرده است: «از گردنه های مهم خرقان گردنه سلطان بلاغ و گردنه آوه است. گردنه اخیر یکی از گردنه های سختی است که در زمستان با مراقبتی که به عمل می آید معذک غالباً از برف مسدود شده یک یا چند روز گذشتن از آن میسر نمی شود» و با «هوای قصبه آوه سرد و آب آن از رودخانه آوه و... است (گلریز، ۱۳۶۸: ۹۶۲-۹۶۱-).

با توجه به منبع فوق هوای آوه (خرقان) سرد است نه معتدل این یکی از دلایلی است که می تواند اثبات کند که منظور حمداله مستوفی آوه (ساوه) است نه آوه (خرقان) دلیل دیگر اینکه، اگر مقایسه ای بین نقشه پیوست مقاله و نقشه طبیعی ایران صورت گیرد رودخانه «گاو ماها» که امروزه «قره چای» نام دارد از کنار آوه ساوه می گذرد نه آوه خرقان.

دلیل دیگر اینکه حمداله مستوفی گفته است که: «آوه هواش معتدل، آبش از رودخانه «گاو ماها» است پس این ویژگی را وی برای آوه ساوه به کار برده است نه آوه خرقان.

بناهای تاریخی آوج

برج دوگانه خرقان

این برجها در ۹۹ کیلومتر جاده قزوین - همدان در روستای حصار ارمنی با فاصله ۳۲ کیلومتر به این جاده اصلی در خرقان غربی واقع شده است که این گنبد مربوط به دوره سلجوقیان است و دارای گنبد آجری دوپوشه بوده و ارتفاع آنها ۱۵ متر و قطر هر یک از این بناها ۱۱ متر است (جغرافیای استان قزوین، ۱۳۷۹: ۶۱).

این برجها در محوطه مسطحی در فاصله ۲۹ متر از یکدیگر قرار گرفته اند برج شرقی قدیمی تر از برج غربی است و بنا بر کتیبه های موجود در دو بنا اختلاف زمان ساختمان آن دو ۲۶ سال است. (ورجاوند، ۱۳۷۹: ۳۱۵). کتیبه باریک، سال بنای آن را به ۴۶۰ هـ - ق می رساند نمای خارجی حالتی دارد که در کمتر بنای قرن پنجم دیده می شود داخل برج دیوارنگار «فرسک» کم نظیر دوره سلجوقی دیده می شود و امامزاده خواهر و برادر به نام های (محمد بن موسی الکاظم) و حدیده خاتون بنت موسی الکاظم (ع) در آنجا می باشد که کتیبه آن سال ۹۶۴ هـ - ق رامی نمایند (حاج آقامحمدی، ۱۳۷۷: ۱۳۷).



«برج دوگانه خرقان، آوج»

کاروانسرای شاه عباسی

در مرکز بخش آوج در ۱۱۰ کیلومتری جاده قزوین همدان در سمت چپ خیابان اصلی در انتهای کوچه ای به فاصله حدود ۳۰ متر از پیاده رو این کاروانسرا قرار دارد کاروانسرای مزبور دارای طرح مستطیلی شکل است پایه بنای کاروانسرا به کمک سنگهای لاشه و قلوه بنا گردیده و بر روی آن تابالا آجر چینی شده است . در وسط ضلع شمالی و جنوبی کاروانسرا در ورودی قرار دارد که سقف ورودی شمالی آن فروریخته است (ورجاوند، ۱۳۴۹: ۳۵۰-۳۴۹).

اکنون نیز درب جنوبی این کاروانسرا گرفته شده است (احتمالاً توسط میراث- فرهنگی) و همانند سابق محلات شمالی را به جنوبی متصل نمی کند و تایک دهه پیشین که درب جنوبی بسته نشده بود مراسم تعزیه خوانی عاشورای حسینی در این مکان برگزار می شد (نگارنده).

نمای خارجی ضلع جنوبی کاروانسرا عبارتست از سردر بزرگی با قوس بزرگ که در بالای قوس مزبور کتیبه بنای کاروانسرا به خط نستعلیق بر روی یک قطعه سنگ مرمر به شرح زیر کنده شده بود:

در زمان جلوس شاه صفی
آن باوقار شـه پاک نهاد
شهریاری که در او آن جلوس در جهان داد عدل و داد
از خراسان کشید یکدست ز پای رومی برید از بغداد
یکی ساعیان دولت او که ابوالقاسم امام اوست نیاز
ابو علیست در جهان مشهور خانه زانند چونکه از اجداد
این بنا را به بهر فریب ساخت که خدایش همیشه خیر دهد
تاریخ این خجسته بنا هاتف این غنیمت بشارت داد
که بنای این رباط نکو جای خود در جهان نمود آباد

(۱۰۴۰.ق)

با توجه به کتیبه مزبور معلوم می‌گشت که کاروانسرای شاه عباسی آوج در زمان سلطنت شاه صفی و در سال ۱۰۴۰ هجری ساخته شده است (ورجاوند، ۱۳۴۹: ۳۵۳-۳۵۴). البته لازم به ذکر است این کتیبه حدود ۲۰ سال پیش به طور نامعلومی مفقود گردیده و فعلا جای خالی کتیبه مشخص است (نگارنده).

منابع:

- ۱- اعتمادالسلطنه ،محمد حسن خان،(۱۳۶۷)، به تصحیح:عبالحسین نوایی ومیر هاشم محدث،مرآةالبلدان،جلد اول،تهران،انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- افشار سیستانی، ایرج،(۱۳۷۸)، پژوهش در نام شهرهای ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنه .
- ۳- بوچالوفردعلیرضا، چگینی علی، نادری تقی،(۱۳۷۸)، سیمای بوئین زهرا، چاپ اول، فرمانداری شهرستان بوئین زهرا .
- ۴- بیات ، عزت اله،(۱۳۷۳)، کلیات جغرافیای طبیعی وتاریخی ایران ، چاپ دوم، تهران ، انتشارات امیرکبیر.
- ۵- توکلی مقدم، حسین(۱۳۷۵)،وجه تسمیه شهرهای ایران ،چاپ اول ، تهران ، ناشر: میعاد.
- ۶- حاجی آقا محمدی، عباس،(۱۳۷۷)، سیمای استان قزوین ،چاپ اول ، قزوین ،انتشارات -طه
- ۷- حدادوهمکاران،(۱۳۳۵)،جغرافیای جهان ،سال دوم دبیرستان،ناشر:وزارت آموزش وپرورش.
- ۸- جعفری،عباس(۱۳۷۹)،دایرةالمعارف جغرافیایی ایران،جلد سوم،چاپ اول،تهران،انتشارات گیتاشناسی.
- ۹- سعادتى ،علی اصغر،(۱۳۷۹) طرح جامع تقسیماتی استان قزوین ،معاونت سیاسی واستاندارى استان قزوین.
- ۱۰- فرجی وهمکاران،(۱۳۶۶)،جغرافیای کامل جهان،چاپ اول،تهران:شرکت چاپ ونشر ایران.
- ۱۱- گلریز، محمدعلی (۱۳۶۸)تاریخ وجغرافیای تاریخی قزوین (مینودر) ، چاپ دوم،قزوین ،انتشارات طه .

۱۲- لسترنج (۱۳۷۶)، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه: محمودعرفان، چاپ سوم ،

تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۳- مستوفی حمداله، به تصحیح لسترنج (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، چاپ اول، تهران.

۱۴- ورجاوند، پرویز (۱۳۴۹)، *سرزمین قزوین*، تهران، ناشر: انجمن آثار ملی .

۱۵- جغرافیای استان قزوین (۱۳۷۹) سال دوم دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش دفتر برنامه ریزی

و تالیف کتب درسی .

۱۶- سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۷۵)، ویژه شهرستان قزوین، چاپ ۱۳۷۸.

۱۷- فرهنگ آبادیهای کشور (۱۳۷۹) ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح .

« پایان »